دلالت عبارت شیخ مفید بر پذیرش تعدد قرائات

مهمتر اینکه در چهل و چهار موردی که نتوانستند کاری کنند، فرمودند «الناردکاملعدوم». وقتی این را دیدم، یاد عبارت مرحوم شیخ مفید افتادم. من قبلاً عبارت شیخ مفید را عرض کردم. تکرار آن خیلی فایده دارد. بعضی از چیزهایی که محضر شما بی ادبی میکنم و بحثها را تکرار میکنم، به ذهن قاصرم هست که نکته خاصی است که یا نیاز به ابداع و ذکر آن هست یا تکرار آن. الآن ببینید ما میگوییم شیعه چنین میگوید. در نگاه شیعه این است. خب مگر شیخ مفید شیعه نبوده؟! شیخ مشایخ شیعه است. به شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه میگوییم شیخ الطائفه، اما شیخ مفید بزرگترین شیخ شیخ الطائفه است. او هم شیعه بوده. خب در آن رساله المسائل السرویه چه میگویند؟ اینها را قبلاً عرض کردهام. امروز میخواهم در مقابل این کتاب بگویم. ایشان گفتند «الناردکاملعدوم». اما شیخ مفید فرمودند: «و ما أشبه ذلك مما يكثر تعداده و يطول الجواب بإثباته»؛ یک بخشی از «یکثر»، این چهل و چهار تایی است که آنها فرمودند. مرحوم مفید سه مورد از آن را میگویند. اتفاقا از این سه موردی که شیخ مفید میگویند تنها دو مورد از آن در چهل و چهار مورد هست، آن یکی نیامده. آن هم بسیار مهم است. شیخ مفید چه فرمودند؟ فرمودند ما بهخاطر روایات از مصحف شریف فاصله نمیگیریم. چون روایات ظنی هستند اما مصحف متواتر و قطعی است. اینها فرمودند. بعد فرمودند:

> غير أن الخبر قد صح عن أئمتنا (ع) أنهم أمروا بقراءة ما بين الدفتين و أن لا يتعداه إلى زيادة فيه و لا نقصان منه حتى يقوم القائم (ع) فيقرأ للناس القرآن على ما أنزله الله تعالى و جمعه أمير المؤمنين(ع)[1]

تعبیر را ببینید. آن کسی که از ساری برای شیخ مفید نوشته است، شیعه بوده. میگوید «**و أقر عيون الشيعة بنضارة أيامه**»؛ یعنی چشم شیعه به شما روشن است. کسی که برای ایشان نامه مینویسد معلوم است. مخاطبش هم اینها بودهاند. بعد میفرمایند «**قد صح عن ائمتنا**»؛ بهصورت صحیح از ائمه ما وارد شده است، «**أنهم أمروا بقراءة ما بين الدفتين**»؛ از این مصحف فاصله نگیرید. بعد میفرمایند:

> فإن قال قائل كيف يصح القول بأن الذي بين الدفتين هو كلام الله تعالى على الحقيقة من غير زيادة فيه و لا نقصان و أنتم تروون عن الأئمة (ع) أنهم قرءوا كنتم خير أئمة أخرجت للناس و كذلك جعلناكم أئمة وسطا و قرءوا يسألونك الأنفال و هذا خلاف ما في المصحف الذي في أيدي الناس[2]

«فإن قال قائل كيف يصح القول بأن الذي بين الدفتين هو كلام الله تعالى على الحقيقة من غير زيادة فيه و لا نقصان و أنتم تروون عن الأئمة (ع)»؛ شما از ائمه معصومین روایت می‌کنید که **«أنهم قرءوا كنتم خير أئمة أخرجت للناس و كذلك جعلناكم أئمة وسطا و قرءوا يسألونك الأنفال و هذا بخلاف ما في المصحف الذي في أيدي الناس»**؛ حال می‌خواهند جواب بدهند.

> قيل له قد مضى الجواب عن هذا و هو أن الأخبار التي جاءت بذلكأخبار آحاد لا يقطع على الله تعالى بصحتها فلذلك وقفنا فيها و لم نعدل عما في المصحف الظاهر على ما أمرنا به حسب ما بيناهمع أنه لا ينكر أن تأتي القراءة على وجهين منزلين أحدهما ما تضمنه المصحف.و الثاني ما جاء به الخبر كما يعترف مخالفونا به من نزول القرآن على أوجه شتى[3]

«قيل له قد مضى الجواب عن هذا»؛ اولاً این‌که این‌ها روایات است. متواتر که نیست. **«مع أنه»؛** من می‌خواهم روی بعضی از واژه‌ها تأکید کنم؛ دیدم در برخی از آن‌ها مناقشه است، لذا شما روی آن‌ها تأمل کنید. من نمی‌گویم این برداشت من درست است. ولی نزد خود من صاف است. حالا چیزی که در ذهن من است را عرض می‌کنم شما هم روی آن تأمل کنید.

جواب دوم ایشان این است: **«مع أنه لا ينكر»؛** نمی‌شود انکار کنیم که **«أن تأتي القراءة على وجهين منزلين»**؛ یک آیه به دو قرائت بیایی که هر دوی آن‌ها را هم ملک وحی آورده است. «کنتم خیر امة» و «کنتم خیر ائمة»، ملک وحی آن‌ها را آورده است. **«أحدهما ما تضمنه المصحف»؛** دومین آن‌ها هم همین روایت است. تا اینجا آمدند. منظور من این‌ها نیست. از اینجا به بعد منظور من است: **«و الثاني ما جاء به الخبر كما يعترف مخالفونا به من نزول القرآن على أوجه شتى»**؛ سبعة احرف و تعدد نزول را همه می‌گویند. کلمه «یعترف» با «یدعی» و «یقول» تفاوت ندارد؟! شما موارد استعمال «یعترف» را ببینید. اعتراف را در جایی می‌گویند که طرف به حق رسیده است. نه اینکه اگر ادعای باطل دارد، بگویند «اعترف». «اعترف» باب افتعال «عرف» است. «فاعترفوا بذنبهم»، یعنی چه؟ یعنی ذنبی نبود و همینطور به خیالشان رسیده بود؟! یا اینکه طرف فهمید که مذنب است؟!

عرض من در کلمه «یعترف» این است: «یعترف» یعنی آن‌ها هم درست می‌گویند و ما هم قبول داریم و «لاینکر». نه اینکه «یعترف» یعنی من در مقام جدل با سنی ها هستم و خودتان اعتراف می‌کنید؛ خودتان ادعا می‌کنید و من قبول نداشتم. پس عرض من این است که «یعترف» را که ایشان به کار بردهاند، دارند حرف آن‌ها را تأیید می‌کنند. نه اینکه بخواهند از باب مماشات و به کار بردن مقبولات و با چیزهایی که آن‌ها قبول دارند با آن‌ها حرف بزنند. حال دنبال آن جالب است.

شاگرد:...

استاد: قبلش که «لاینکر» را می‌گویند، دارند به شیعه می‌گویند. یا اینکه طبق اهل‌سنت می‌گویند «لاینکر»؟! یک شیعه می‌گوید شما از ائمه می‌گویید که آن‌ها «امّة» خواندهاند، ایشان می‌گویند «لاینکر» که دو جور آمده باشد، این را هم برای مماشات با اهل‌سنت می‌گویند؟! یا اینکه می‌خواهند برای یک شیعه بحث را حل کنند؟! پس قسمت اول عبارت مربوط به شیعه است، اهل‌سنت که «ائمة» را قبول ندارند. وقتی ایشان «وجهین منزلین» می‌گویند، دنبال آن چیزی است که قبول کردند و به‌عنوان یک مطلبی است که به شیعه القاء کردهاند، لذا می‌گویند «یعترف»، این «یعترف» به این معنا نیست که من حرف آن‌ها را قبول ندارم.

مهمترین قسمت که برای آقایان خواندم، این بود: ببینید بعد از اینکه «یعترف» را میگویند سه مثال میزنند. هر کسی که در قرائات علوم قرآنی کار کرده، تضلع و خبرویت شیخ مفید در این بحث را میبیند. شاگردانشان سید مرتضی و سید رضی و شیخ الطائفه که صاحب تفسیر تبیان است، هم کلماتی دارند. زحمت کشیدهاند دو صفحه گذاشتهاند، به نام دیدگاه سید مرتضی و سید رضی. مطالب خیلی خوبی است. ببینید آن بزرگواران چطور صاف جلو میآیند.

حال عبارت دوم زمخشری را هم عرض میکنم. شیخ مفید سه مثال میزنند؛ برای جایی که وجهین منزلین است. به این سه مثال دقت کنید. میگویند:

> و الثاني ما جاء به الخبر كما يعترف مخالفونا به من نزول القرآن على أوجه شتى.فمن ذلك قوله تعالى وَ ما وُ وَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ يريد ما هو ببخيل.و بالقراءة الأخرى و ما هو على الغيب بظنين يريد بمتهم. و مثل قوله تعالى جَنّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهارُ على قراءة أخرى من تحتها الأنهار.و نحو قوله تعالى إِنْ هذانِ لَساحِرانِ و في قراءة أخرى إن هذين لساحران[4]

«فمن ذلك قوله تعالى»؛ به ضمیر «قوله» توجه کنید. «وَ ما هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ»؛ ببینید مثال را کجا آوردند. بردند دقیقاً درجایی که «لایحتمله الرسم». کل مصاحف عثمانی که اهلسنت قبول دارند همه به «ضاد» است. ببینید متخصص کار هستند. مثالی میزنند که جامع همه جوانب بحث است. در همه مصاحف «ض» است. اما خود اهلسنت در قرائشان هم «ظاء» دارند و هم «ضاد». بعد چه میگویند؟ مرجع ضمیر را به «قوله تعالی» بر میگردانند.

«يريد»؛ چه کسی اراده میکند؟ خدای متعال،**«ما هو ببخيل»**. **«و بالقراءة الأخرى و ما هو على الغيب بظنين يريد بمتهم»**؛ در اینجا هم خدای متعال اراده می کند. ببینید چقدر جالب بود. در هیچ مصحفی «ظاء» نبود، در همه آنها «ضاد» بود. مثالی زدند که خود اهلسنت قبول دارند که در اینجا دو قرائت هست. وجهین منزلین. خود شما میگویید هر دو آنها منزلین است. در اینجا هم ائمه ما میگویند «کنتم خیر امة»، منزل است و «کنتم خیر ائمة» هم منزل است. ایشان عالم شیعه نیستند که ما بگوییم زدن شیعه تنها یکی از آنها درست است؟! بعد هم در علم القرائة استشهاد بکنیم به چیزی مثل «ضنین»، لاریب فیه است. زمخشری هم میگوید «قرأ بهما رسول الله». اینها چیزهای کمی نیست. مثالهای بعدی ایشان هم جالب است.

«و مثل قوله تعالى»؛ از آن جایی مثال میآورند که تفاوت در خود مصحف عثمانی است. در مثال اول اتفاق مصاحف عثمانی بر «ضاد» بود اما بعضی قرا سبعه با «ظاء» خوانده بودند. دوم جایی است که خود مصاحف عثمانی با هم مختلف هستند. **«جَنّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهارُ و على قراءة أخرى من تحتها الأنهار»**؛ که تفاوت مصحف شام با مصاحف دیگر است. این هم مثال دوم و دقیق است.اما مثال سوم؛ اتفاق مصاحف عثمانی بر یک رسم خاص است و قرائت بر خلاف آن است. شبیه مثال اول است. اما با یک تفاوتهایی. «و نحو قوله تعالى إِنْ هذانِ لَساحِرانِ و في قراءة أخرى إن هذين لساحران»؛ این «هذین» صرف شباهت «ضاد» و «ظاء» به هم نیست. این خیلی مهم است. مثل بیانی که این اساتید در این کتاب دارند، عدهای دیگر هم در جاهای دیگر دارند. میگویند خب فلانی گفته در «ضنین»، ندانه «ظاء» به الف شبیه میشود و شخصی «ظنین» خوانده است. به این صورت میخواهند درستش کنند. اما در اینجا قرائت هست یا نیست؟ ببینید شیخ مفید چه مثالی میزنند! «هذان»، همه میگویند به الف است. در خط هم که الف به یاء اشتباه نمیشود. چطور یکی از قراء به نام ابوعمرو بصری «ان هذین» خوانده است؟! پس معلوم میشود که قرائت ابوعمرو قرائتی است که با هیچ مصحفی موافق نیست. حتی مظنه این هم که بگوییم خط را بد خوانده ندارد. لذا این شیخ جلیل القدری که رئیس شیعه است، سه مثال آوردهاند. رضوانالله‌علیه!

مثال‌هایی به این زیبایی آورده‌اند در اینکه «منزلین» را طوری برای مخاطب جا بیاندازد که نتواند خدشه کند.

---

[1]المسائل السرویه ص۸۱

[2]همان ۸۲

[3]همان

[4]همان ۸۴

بازبینی #3
ایجاد شده 25 آوریل 2024 08:33:27 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 ژوئن 2024 14:54:37 توسط ... .